

متن پرسش

باسمه تعالی- سلام علیکم، با آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون برای حضرتعالی در ترویج معارف دینی، چندی پیش انتقادی در مورد کاربرد عبارت "اصولگرایان حزبی" مطرح کردم و چون حضرتعالی آنرا پذیرفتید فهمیدم که به خطا نرفته‌ام. اما بعد از آن مشاهده کردم که به جای آن عبارت "اصولگرایان سیاسی" استفاده می‌فرمایید که به نظر می‌رسد انتقاد شدیدتری به آن وارد باشد. به خصوص وقتی در پاسخ شماره ۴۷۲۹ فرموده اید ". . . خطر اصولگرایی سیاسی به عنوان یکی از عواملی که انقلاب را گرفتار بن بست می‌کند. . ." بر آن شدم تا ابهام و ایرادم را مطرح کنم. تعجب حقیر از این است که مگر ما اصولگرایی غیر سیاسی هم داریم؟ اگر منظور از اصولگرایی گرایش یا اعتقاد به اصولی است که ریشه در منابع فقهی و دینی دارد، حتماً از فروع آن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حقوق و . . . است، به نحوی که جدا کردن آن‌ها و به طریق اولی در تقابل دانستن آن‌ها امکان‌ناپذیر است. اتفاقاً علت اصلی کاربرد عبارت "اصولگرایی" این است که حتی الامکان از تفرق مسلمانان و حد اقل شیعیان جلوگیری شود و همه را حول اصول متفق فیه متحد نماید، حال اگر خود اصولگرایان را شقه شقه کنیم بر خلاف مقتضای آن نام گذاری عمل کرده ایم. و ممکن است عده ای هم ما را به این دلیل که اصولگرایی فرهنگی هستیم نپذیرند و بعضی دیگر را با دیگر عناوین. آن طور که حقیر فهمیده‌ام اصولگرایی به مثابه درختی است که ریشه‌های آن منابع فقهی است و شاخه‌های آن فروعی چون: اقتصاد، سیاست، حقوق، فرهنگ، دفاع و . . . که اگر چه به ظاهر جدا ولی چون از طریق یک تنه به ریشه‌ها متصل و وابسته اند پس عین هم بوده و تفکیک‌ناپذیرند. همانگونه که شهید مدرس هم فرموده اند: سیاست ما عین دیانت ما است. اما من مدعی اصولگرایی هستم که در عمل یا سیاست زده‌ام، یا سیاسی‌کارم، یا قدرت‌طلبم، یا اصلاً اصولگرا نیستم اما منافعم ایجاب نموده که خود را در دایره اصولگرایان وارد کنم. بنابراین به نظر می‌رسد نه تنها سیاسی بودن را نباید به عنوان مذمتی برای بعضی اصولگرایان بکار ببریم بلکه باید اصولگرایی منهای سیاست را مذمت نماییم، همان طور که در مورد گروه‌هایی مثل انجمن حجتیه کرده‌ایم. اگر آنچه گفته شد درست باشد، شاید راه حل در این باشد که به جای این که با یک عبارت و یا یک اصطلاح افراد و گروه‌های مختلف و یا حتی متعارض را وصف کنیم، با توصیف در یک جمله و بنا به مورد با ذکر اوصاف دقیق و مشخص (مثل سیاست زده، سیاسی‌کار، قدرت‌طلب یا . . .) آن‌ها را متمایز و نظر و اراده خود را تبیین نماییم و یا این که بدون ورود در علت یا منشا اشتباه و خطای افراد و گروه‌ها اظهار نظر نماییم تا باعث ایجاد شائبه‌ای نشود. با تشکر از بذل محبت و عذرخواهی از تصدیع اوقات شریف و التماس دعا.

باسمه تعالی: سلام علیکم: منظور از اصول‌گرایی سیاسی آن نوع اصول‌گرایی است که خود را در حصار سیاسی‌بازی متوقف کرده است در حالی که اگر بر اساس رهنمودهای دین خدا عمل می‌کرد در عین آن که سیاست عین دیانت است ولی دیگر به آن اصول‌گرایی سیاسی اطلاق نمی‌شد. مثل آن که به حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» اصول‌گرا می‌گویند و برای آن که اصول‌گرایی سیاسی را از اصول‌گرایی اصیل جدا کنیم. مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۵/۲۹/۳ شاخصه‌های اصول‌گرایی را به‌کار بردند تا بتوان بین اصول‌گرایی حقیقی با اصول‌گرایی ادعایی فرق گذاشت. موفق باشید